

**پرسش ۵۸: سخن خداوند متعال «و کم قصمنا من قرية كانت ظالمة....»
حصيداً خامدين»**

السؤال / ۵۸: ما تفسير قوله تعالى: (وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ) [39].

المرسل: إبراهيم رغيل

تفسير این سخن خداوند متعال چیست؟ «و چه بسیار مردم ستمکاری که هلاک کردیم و به جایشان مردمی دیگر بیافریدیم * چون عذاب ما را حس می کردند به ناگاه از آنجا می گریختند * مگریزید! به ناز و تنعم و خانه های خویش بازگردید، تا بازخواست شوید * گفتند: وای بر ما، ما ستمکاره بوده ایم * و همواره سخنشان همین بود، تا همه را چون کشته، درویده و آتش خاموش گشته گردانیدیم» [40].

فرستنده: ابراهیم رگیل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

هذا العذاب الذي يرافق إرسال المرسلين إلى الناس، وينزل بأهل القرى بعد تكذيبهم المرسلين، ويأتي السكان الجدد، وتكرر نفس القصاص دون أن يلتفتوا ويتعظوا بمن كان قبلهم. ونفس الشيء يتكرر مع القائم (ع)، ولعل أهم القرى التي ذكرت في الروايات بأنه ينزل بها العذاب هي بغداد.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

این عذابی است که همراه با ارسال فرستادگان بر مردم بوده است و پس از اینکه مردم سرزمین‌ها فرستادگان را تکذیب می‌کنند، بر آنها نازل می‌شود؛ ساکنان جدید خواهند آمد و این داستان همچنان تکرار خواهد شد، بدون اینکه پند گیرند و متوجه شوند و از گذشتگان‌شان عبرت بیاموزند. این رویداد با قائم (ع) نیز تکرار می‌شود و چه بسا مهم‌ترین این شهرها که در روایت‌های معصومین نام برده شده و عذاب بر آنها نازل می‌شود، شهر بغداد باشد.

راجع الروایات ([41]) التي ذكرت إنها لا يرى منها الرسوم من شدة الخراب الذي يلحقها بالرايات التي تأتيها من كل مكان وبالفتن. وفي تأويل هذه الآيات بالخصوص في القائم، قال الإمام الباقر (ع) في قول الله عز وجل: (فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ)، قال (ع): (إذا قام القائم وبعث إلى بني أمية بالشام فهربوا إلى الروم فيقول لهم الروم: لا ندخلكم حتى تتنصروا فيعلقون في أعناقهم الصليبان فيدخلونهم، فإذا نزل بحضرتهم أصحاب القائم طلبوا الأمان والصلح، فيقول: أصحاب القائم لا نفعل حتى تدفعوا إلينا من قبلكم منا. قال (ع): فيدفعونهم إليهم، فذلك قوله تعالى: (لا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ). قال (ع): يسألهم الكنوز وهو أعلم بها. قال (ع): فيقولون: (يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ) بالسيف ([42]).

به روایاتی مراجعه کنید ([43]) که می‌گویند از شدت خرابی‌ها و ویرانی‌هایی که بر اثر شدت درگیری‌ها و فتنه‌هایی که همراه با پرچم‌هایی است که از هر سو به آن هجوم می‌آورند، حتی آثاری از این شهر باقی نمی‌ماند، مراجعه نمایید. امام باقر (ع) در مورد تأویل این سخنان خداوند عزوجل « چون عذاب ما را حس می‌کردند به ناگاه از آنجا می‌گریختند * مگریزید! به ناز و تنعم و خانه‌های خویش بازگردید، تا بازخواست شوید » به خصوص در زمان قائم (ع) فرمودند: « هنگامی که قائم قیام کند و فرستادگانی برای بنی امیه در شام خواهد فرستاد. آنها به روم می‌گریزند و رومیان به آنها می‌گویند: به شما پناه نمی‌دهیم مگر اینکه نصرانی شوید. قبول می‌کنند و صلیب به گردن

می آویزند. وقتی یاران قائم به آنها می‌رسند، (رومیان) از آنها امان و صلح طلب می‌کنند. فرستادگان قائم می‌گویند: چنین نخواهد بود مگر اینکه پناهندگان روی آورده به آئین‌تان را به ما بازگردانید. رومیان آنها را تحویل می‌دهند و این تأویل این سخن خداوند متعال خواهد بود «لَا تَزْكُضُوا وَارِجِعُوا إِلَىٰ مَا أَتْرَفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسَأَلُونَ». امام (ع) فرمود: در مورد گنج‌ها از آنها می‌پرسد در حالی که خودش به آن عالم‌تر است. سپس امام (ع) فرمود: آنگاه با زور شمشیر سخن خواهند گفت: «يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» ([44]).



[39] - الأنبياء: 11 - 15.

[40] - انبياء: 11 تا 15.

[41] - عن علي بن أبي طالب (ع)، أنه قال في خطبة: (الزوراء وما أدراك ما الزوراء، أرض ذات أثل يشيد فيها البنيان وتكثر فيها السكان ويكون فيها محاذم وخزان، يتخذها ولد العباس موطناً ولزخرفهم مسكناً، تكون لهم دار لهو ولعب يكون بها الجور الجائر والخوف المخيف والأئمة الفجرة والأمراء الفسقة والوزراء الخونة، تخدمهم أبناء فارس والروم لا يأترون بمعروف إذا عرفوه ولا يتناهون عن منكر إذا أنكروه، (يكتفي) الرجال منهم بالرجال والنساء منهم بالنساء فعند ذلك الغم العميم والبكاء الطويل والويل والعيويل لأهل الزوراء من سطوات الترك، وهم قوم صغار الحدق وجوههم كالمجان المطوقة بأسهم الحديد جرد مرد ... قواعد الأحكام للعلامة الحلبي: ج 1 ص 15.

وعن المفضل بن عمر، عن الصادق (ع) في خبر طويل، قال: (... ثم يظهر السفيناني ويسير جيشه إلى العراق فيخربه ويخرب الزوراء وتركها جماء ويخرب الكوفة والمدينة وتروث بغالهم في مسجد رسول الله (ع) وجيش السفيناني يومئذ ثلاثمائة الف رجل ...) مختصر بصائر الدرجات - للحسن بن سليمان الحلبي: ص 185.

وكذلك عن المفضل بن عمر، قال المفضل: يا سيدي، كيف تكون دار الفاسقين في ذلك الوقت؟ قال: (في لعنة الله وسخطه، تخربها الفتن وتتركها جماء فالويل لها ولمن بها كل الويل من الرايات الصفرة ورايات المغرب ومن يجلب الجزيرة ومن الرايات التي تسيير إليها من كل قريب أو بعيد، والله لينزلن بها من صنوف العذاب ما نزل بسائر الامم المتمردة من أول الدهر إلى آخره، ولينزلن بها من العذاب ما لا عين رأت ولا أذن سمعت بمثله ولا يكون طوفان أهلها إلا بالسيف، فالويل لمن اتخذ بها مسكناً، فان المقيم بها يبقى بشقائه والخارج منها برحمة الله والله ليبقي من أهلها في الدنيا حتى يقال إنها هي الدنيا وإن دورها وقصورها هي الجنة وإن بناتها هن الحور العين وإن ولدانها هم الولدان، وليظنن إن الله لم يقسم رزق العباد إلا بها وليظهرن من الافتراء على الله وعلى رسوله (ص) والحكم بغير كتاب الله ومن شهادات الزور وشرب الخمر والفجور وأكل السحت

وسفك الدماء ما لا يكون في الدنيا كلها إلا دونه، ثم ليخربها الله تعالى بتلك الفتن وتلك الرايات حتى لو مر علينا مار لقال ههنا كانت الزوراء... مختصر بصائر الدرجات - للحسن بن سليمان الحلبي: ص 188.

وعن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين (ع)، قال: (إن أمير المؤمنين (ع)، لما رجع من وقعة الخوارج اجتاز بالزوراء، فقال للناس: إنها الزوراء، فسيروا وجنبوا عنها، فإن الخسف أسرع إليها من الوتد في النخالة... مستدرک الوسائل - للميرزا النوري: ج 3 ص 429. (المعلق).

[42] - الكافي: ج 8 ص 51.

[43] - در خطبه‌ای از علی ابن ابی طالب (ع) نقل شده است که فرمود: «زورا، و چه می‌دانید از زورا! سرزمین وسیعی است که در آنجا بناهای محکم پایه‌گذرای می‌شود، مردم بسیاری در آن سکنی می‌گزینند و رؤسا و ثروت‌اندوزان در آن اقامت می‌کنند. بنی عباس آنجا را مقرّ حکومت خود و پایگاه ثروت‌های خویش قرار می‌دهند. زورا برای آنها خانه‌ی لهو و لعب است. آنجا مرکز ستم ستمکاران و کانون ترس‌های دهشت‌زاست، جای پیشوایان گنهکار و امیران فاسق و فرمان‌روایان خیانت‌کار و جنایت‌پیشه. جمعی از فرزندان فارس و روم آنان را خدمت می‌کنند. اگر معروفی بشناسند به آن امر نمی‌کنند و اگر منکری ببینند، نهی‌اش نمی‌کنند. مردانشان به مردان و زنانشان به زنان اکتفا کنند. در چنین شرایطی اندوه عمومی و گریه‌های طولانی و شرور و بدبختی دامن‌گیر مردم زورا می‌شود، و گرفتار هجوم ترک‌ها می‌گردند؛ ملتی که حدقه‌ی چشم‌شان کوچک و صورت‌هایشان مانند سپر طوق شده و لباس‌هایشان زره آهنین است...». قواعد الاحکام علامه حلی: ج 1 ص 15.

از مفضل بن عمر از امام صادق (ع) در خبری طولانی نقل شده است که فرمود: «... سپس سفیانی ظهور می‌کند و سپاهیان‌ش به سوی عراق حرکت می‌کنند. آن‌جا را ویران می‌سازد و زورا را خراب و با خاک یکسان می‌کند و کوفه و مدینه را ویران می‌کند و اسبان‌شان در مسجد رسول خدا (ص) سرگین می‌اندازند. لشکر سفیانی در آن روز، سیصد هزار نفر خواهد بود...» مختصر بصائر الدرجات حسن بن سلیمان حلی: ص 185.

همچنین از مفضل بن عمر نقل شده است که گفت: آقای من، در آن زمان خانه‌ی فاسقین چگونه خواهد بود؟ فرمود: «در خشم و لعنت خداوند! فتنه‌ها آن‌را ویران و با خاک یکسان می‌کنند. وای برای آن و هر کس که در آن ساکن باشد، از پرچم‌های زرد و پرچم‌های مغرب و آنها که از جزیره می‌آیند و پرچم‌هایی که از هر سو، از دور و نزدیک به سوی آنها خواهد آمد. به خدا قسم از انواع عذاب بر آنها نازل شود که هیچ امتی از گذشتگان تا آیندگان ندیده و عذابی بر آنها نازل شود که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی به مانندش را نشنیده است. طوفانی که مردم آن‌را فرا می‌گیرد شمشیر خواهد بود. وای بر کسانی که در آن مسکن گزینند؛ چرا که اقامت‌کننده در آن با شقاوت خود مانده و خارج شدگان از آن، با رحمت خدا خارج شده‌اند. به خدا سوگند اهالی آن باقی خواهند ماند تا اینکه گویند خانه‌ها و قصرهایش بهشت و زنانش حورالعین و جوانانش جوانان بهشتی‌اند. گمان می‌کنند که خداوند تمام ارزاق را فقط در آن تقسیم کرده است. در آن افتراها به خدا و رسول خدا (ص) می‌بندند و حکم به خلاف کتاب خدا می‌دهند و گواهی دروغین و شرب خمر و فجور و خوردن حرام و خون‌ریزی کنند. از دنیا چیزی نماند مگر اینکه در آن باشد. سپس خداوند متعال با آن فتنه‌ها و پرچم‌ها زورا را خراب می‌کند تا حدی که وقتی کسی از آنجا گذر کند، بگوید زمانی اینجا زورا بود...» مختصر بصائر الدرجات: ص 188.

از ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين (ع) نقل شده است که فرمود: «پس از این که امیرمؤمنان (ع) از واقعه‌ی خوارج بازگشت گذرش به زورا افتاد و به مردم فرمود: این زورا است، بروید و از آن دوری کنید، چرا که خسف در آن سریع‌تر از رفتن میخ آهنین در کاه اتفاق خواهد افتاد...». مستدرک الوسائل میرزای نوری: ج 3 ص 429.

[44] - کافی: ج 8 ص 51.